

گزارشی تاریخی به‌مناسبت تشییع و تدفین پیکر شهید خدمت در بارگاه ثامن‌الحجج^(ع)

روایت دفن نایب‌التولیه‌ها در حرم مطهر رضوی

مرضیه‌ترابی[تدفین در جوار مضجع شریف ثامن‌الحجج^(ع)، آرزوی هر اراد‌تمندی است. بسیاری از مؤمنان به امید بهره‌مندی از انفاس قدسی و گنجینه معنوی وجود مقدس امام‌رضا^(ع) وصیت می‌کنند که پیکرشان بعد از وفات در جوار آن مرقد مطهر دفن شود و این سنت، قدمتی به دیرینگی حرم مطهر رضوی دارد. نشانه‌هایی از تدفین مؤمنان و بعضی بزرگان و سیاستمداران در این مکان مقدس را می‌توان در متون تاریخی یافت. «ابوالحسن عراقی‌دبیر» -وزیر و دبیر دربار سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی- که در سال ۴۲۹قمری(۴۱۶خورشیدی) نزدیک به حدود هزار سال قبل، دار فانی را وداع گفته، نمونه‌ای قابل اشاره در این زمینه است. او در جوار حرم امام‌هشتم^(ع)، مسجد بالاسر را ساخت و چنان‌که‌ابوالفضل بیهقی در تاریخ‌مشهور خود اشاره می‌کند، وصیت کرد که بعد از وفات، پیکرش را در همین مسجد دفن کنند؛ مسجدی که هنوز پایرجاست و زائران، بعد از زیارت در آن نماز می‌گزارند. نمونه قابل ذکر دیگر، «ابوطاهر قمی»، وزیر شیعی مذهب سلطان سنجر سلجوقی است که نقش وی را در ساخت نخستین باروی مشهد و احداث کاروان‌سرای «رباط‌شرف»، بارها در همین صفحه مطالعه کرده‌اید. او نیز برای خودش آرامگاهی در جوار مرقد مطهر امام‌رضا^(ع) ساخت و پیکرش را در همین مکان، در سال ۵۱۶قمری(۵۰۱خورشیدی) (حدود نهمصد سال قبل)، دفن کردند؛ آرامگاهی که البته طبق گزارش احتشام کاویانیان در «شمس‌الشموس»، در دهه ۱۳۱۰خورشیدی، بدون دلیل و به بهانه توسعه فلکه حضرتی، ویران شد. برخی پژوهشگران مانند مهدی سیدی در کتاب «سیمای تاریخی فرهنگی شهر مشهد»، معتقدند که بسیاری از مدارس قدیمی شهر، مانند مدرسه «دودر»، و «بالاسر»، حول چنین آرامگاه‌هایی بنا شده بود. باتوجه به آنچه گفتیم، بدیهی است که متولیان حرم رضوی که تقریباً از دوره تیموری به این سو، عنوان «تولیت»، یا «نیابت‌تولیت»، یا «نایب‌التولیه» داشته‌اند، بخواهند که به‌دلیل خدمت در جوار پررحمت حضرت رضا^(ع)، در کنار آن مضجع شریف دفن شوند. چنین به‌نظر می‌رسد که رسم دفن نایب‌التولیه‌ها در جوار حرم ثامن‌الحجج^(ع)، دست‌کم از زمان استقرار سادات رضوی در مشهد(در قرون چهارم و پنجم قمری) برپا بوده است؛ هرچند که باید درباره استفاده واژه «رسم» برای این موضوع، کمی احتیاط کرد. در واقع این میل ورغبتی بود که در این افراد به‌دلیل خدمت به‌و‌وجود می‌آمد و تبلور امیدی محسوب می‌شد که به لطف و کرم امام‌رضا^(ع) داشتند، بنابراین دفن متولیان یا همان نایب‌التولیه‌ها در جوار حرم رضوی سابقه‌ای دیرینه دارد؛ هرچند که مستندات مربوط به آن، امروزه کمتر در اختیار ماست و عموماً از عهد صفوی فراتر نمی‌رود.



تکیه عتبات رضوی

متولیان عهد صفوی، مدفون در حرم مطهر رضوی

«خواجه عتیق منشی»، نخستین نایب‌التولیه آستان قدس رضوی در دوره صفوی، اولین نایب‌التولیه‌ای است که درباره دفن وی در حرم مطهر امام‌هشتم^(ع) اطلاعات نسبتاً کافی داریم. از سال درگذشت خواجه، اطلاعات دقیقی در دست نیست. اما موقوفه مشهور وی در «کنه‌بیست» که تا امروز همچنان فعال و برقرار است، در سال ۹۳۱قمری وقف حرم مطهر رضوی شد. خواجه عتیق، با نام کامل «عتیق‌علی بن احمد»، از وزرا و رجال سیاسی دربار شاه‌اسماعیل یکم و شاه‌تهماسپ یکم صفوی و از نوادگان خواجه‌نصیرالدین طوسی بود. او برای خودش در جوار حرم رضوی، آرامگاهی مجلل ترتیب داد که ظاهراً در محدوده مدرسه شاه‌رخ‌ی قدیم (مدرسه بالاسر) قرار داشت و بعدها، با توسعه حرم رضوی، در رواق دارالولایه قرار گرفت. به غیر از او می‌توان به میرزا ابوطالب رضوی، از سلسله سادات رضوی مشهد، اشاره کرد که در سال ۱۰۴۰قمری و دوره شاه‌عباس یکم صفوی، نایب‌التولیه آستان قدس شد. او را که اصالتاً مشهدی بود، بعد از وفات در «پایین‌بای مبارک» دفن کردند. نکته جالب توجه درمورد نایب‌التولیه‌های عصر صفوی و افشاری، این است که بیشتر آن‌ها از سادات رضوی بودند، اما در دوره قاجار این رویه تغییر کرد و به‌جز میرزا محمدعلی رضوی، کسی از سادات به این مقام منصوب نشد. از دیگر نایب‌التولیه‌های عصر صفوی که در حرم امام‌رئوف^(ع) مدفون شدند، می‌توان به میرزا عبدا... حسینی اصفهانی اشاره کرد که در دوره شاه‌سلطان حسین و در سال ۱۱۲۲قمری به این مقام رسید. میرزا عبدا... از خاندان سادات مرعشی اصفهان بود. او را بعد از وفات در «پایین پای حضرت» دفن کردند.

متولیان عهد افشاری و قاجاری، مدفون در حرم رضوی

داشت. او در جریان غائله پیش از شورش مشهور به «سالار»، در مسجد گوهرشاد به قتل رسید و پیکرش را در جنوب شرقی «دارالحفاظ» دفن کردند. قبل از عبدا... خونی نیز «میرزا موسی قائم‌مقام فراهانی» سمت نیابت‌تولیت را برعهده داشت که او را هم، بعد از درگذشتی در «رواق دوم پشت سر حرم رضوی» به خاک سپردند. «علی‌اکبر قوام‌الملک شیرازی»، بانی ساختمان نقاره‌خانه پرفراز‌ایوان شرقی صحن عتیق، از دیگر نایب‌التولیه‌هایی است که در حرم رضوی به خاک سپرده شده است. او که در سال ۱۲۷۹قمری به این مقام رسید، پس از درگذشت در سال ۱۲۸۲قمری، در یکی از صفه‌های بین مسجد بالاسر و توحیدخانه مدفون شد. از میان نایب‌التولیه‌های پس از وی که در اماکن متبرکه به خاک سپرده شدند، می‌توان به «میرزا محمدخان سپهسالار» اشاره کرد که در سال ۱۲۸۳قمری، در عهد ناصرالدین‌شاه به این مقام رسید و در سال ۱۲۸۴قمری دار فانی را وداع گفت و ظاهراً در توحیدخانه دفن شده است. (روایتی هم وجود دارد که وی را مدفون در دارالحفاظ می‌داند). بعد از وی، «میرزا حسین‌خان سپهسالار» صدراعظم مشهور دوره قاجار که مدتی به‌عنوان نایب‌التولیه در مشهد حضور داشت، در سال ۱۲۹۸قمری درگذشت و در دارالسیاده حرم مطهر

متولیان دوران پس از قاجار، مدفون در حرم رضوی

دوره که می‌توان به نام وی اشاره کرد، «فخرالدین شادمان» است که از ۱۵ خرداد ۱۳۳۴ تا سال ۱۳۳۷ نایب‌التولیه آستان قدس رضوی بود. او پس از درگذشت، طبق وصیتش، در رواق دارالسرور حرم امام‌هشتم^(ع) دفن شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، دو تن از تولیت‌های آستان قدس، در حرم مطهر امام‌رضا^(ع) دفن شدند؛ نخست «مرحوم آیت... عباس واعظ طبسی» که در ۱۴ اسفند سال ۱۳۹۴ درگذشت

نایب‌التولیه‌هایی که در دوران پساقاجار در حرم مطهر دفن شدند، چندان متعدد نیستند. پیکر «محمدولی اسدی» نایب‌التولیه مشهور دوره رضاشاه را که در جریان قیام مسجد گوهرشاد، هدف سوءظن پهلوی اول قرار گرفت و سرانجام تبریاران شد، ابتدا در گورستان گلشور مشهد دفن کردند و بعد از شهریور ۱۳۲۰، به مقبره اختصاصی وی در صحن عتیق حرم رضوی انتقال دادند. از دیگر افراد این



ظرفیت یافته‌های باستان‌شناسی در باز تعریف هویت و تاریخ ایرانی

ایرانی بودن به روایت یافته‌های باستان‌شناسی



شیرین سیدی[«بررسی نقش باستان‌شناسی در هویت ملی ایرانیان» موضوع نوزدهمین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی موزه دانشگاه فردوسی مشهد بود که به‌مناسبت «روز جهانی موزه و هفته میراث فرهنگی» برگزار شد. در این نشست تخصصی، استاد رجبعلی لباف خانیکی، باستان‌شناس و مدیرکل اسبق میراث فرهنگی خراسان رضوی، با معرفی برجسته‌ترین یافته‌های باستان‌شناسی ایران، از «تغییر درازای تاریخ و کیفیت تمدن ایران باتوجه به یافته‌های باستان‌شناسی» گفت.

لباف با معرفی محوطه‌های باستان‌شناسی «هومیان»، «گنج‌دره»، «تپه‌زاغه»، «چگاسفلی»، «جیرفت»، «شهر سوخته»، «مارلیک»، «چغانزئیل»، «تخت جمشید»، «بندیان» و «شادیاخ» به اهمیت ویژه هرکدام از این یافته‌های باستان‌شناسی در بازتعریف تاریخ ایران اشاره کرد. «غار هومیان» اولین محوطه باستان‌شناسی بود که در این نشست معرفی شد. این غار در استان لرستان و شهرستان کوهدشت قرار دارد. نقاشی‌های آن از اولین تلاش‌های بشر برای جاودانه‌کردن اندیشه‌هایش است. این نقاشی‌ها تا ۶ هزار سال، از نقاشی‌های یافت‌شده در غارهای اروپا همچون «لاسکو» در فرانسه یا «آلتامیر» در اسپانیا قدیمی‌تر است و همین نشانگر تأثیرگذاری «مطالعات باستان‌شناسی در ایران» بر تاریخ بشر است.

به‌گفته این باستان‌شناس، در بخش دیگری از سیر تکامل بشر، وقتی از حدود ۱۰ تا ۱۲ هزار سال پیش، او آغاز به یکجانشینی و به خدمت گرفتن طبیعت با کشاورزی کرد، بشر وارد دوران نوسنگی شد و ابزارها و سازه‌های بشری شکل گرفت. جغرافیای ایران امروزی یکی از اولین نشانه‌های این دوران را نیز در خود دارد. «ناتوفی» فلسطین و «گنج‌دره» هرسین کرمانشاه، از نخستین این سکونتگاه‌های اولیه هستند و حتی آزمایش‌های علمی رادیوکربن ۱۴ نشان داده است که قدمت یافته‌های گنج‌دره، هزار سال از ناتوفی بیشتر است. همچنین سازه‌های گنج‌دره با خشت بوده است و پیچیدگی ساخت آن، بسیار چشمگیرتر از یافته‌های ناتوفی است.

تپه‌زاغه

به عقیده لباف خانیکی، سیر تکامل بشر را که پی بگیریم، به شکل‌گیری سکونتگاه‌های جمعی خواهیم رسید. این پژوهشگر حوزه باستان، «تپه‌زاغه» در دشت قزوین را که یادگاری از ۸ هزار سال پیش است، نخستین روستای جهان می‌نامد. لباف که خود زمانی در این محوطه کاوش نیز می‌کرده است، ادامه داد: «تپه‌زاغه نشانه‌ای از اولین تلاش‌های بشر برای با هم زیستن و رسیدن به امنیت، تعاون و همچنین اهمیت یافتن روابط خویشاوندی است. تپه‌زاغه شامل ۲۹ خانه است و مزارع آن، وسعتی دو هکتاری دارد. میانه روستا هم یک معبد باتزیینات نقاشی دیده می‌شود که خانه حاکم در کنار آن قرار داشته است.»

چگاسفلی

پیشرفت معماری و بهره‌گرفتن از آجر، از مراحل مهم سازندگی است و به‌گفته لباف، «چگاسفلی» در خوزستان یا آجرهای ۶ هزارساله خود، کهن‌ترین معماری آجری با اختلاف ۳ تا ۴ هزار ساله و قدیمی‌تر از دیگر یافته‌های آجری در جهان است. از دیگر بحث‌های مهم درباره قدمت ایران و تمدن آن، موضوع مبدأ تاریخ در این خطه است. لباف خانیکی به این موضوع مهم نیز اشاره کرد و گفت: «خط و ابداع آن، یک نقطه عطف در تاریخ بشر است و اصلاً ملاک جداسازی دوره تاریخی و پیش از تاریخ همین خط است. خطوط تصویری از عصر برنز و هزاره چهارم پیش از میلاد شکل گرفته‌اند، تا سال ۱۲۸۶ خورشیدی گمان بر این بود که سومری‌ها مبدأ خط هستند اما در این سال، در جیرفت کتیبه‌هایی با قدمت ۴ هزار و ۲۰۰ سال پیش از میلاد یافت شد که قدمت آن از خطوط سومری چهارصد سال بیشتر بود. به این نکته نیز باید توجه کنید که بر این اساس، مبدأ تاریخ ایران نباید آغاز یادشاهی ماد یعنی سال ۷۰۰ پیش از میلاد باشد، بلکه براساس همین نکته، دوره تاریخی این سرزمین را باید هزاره چهارم پیش از میلاد در نظر گرفت.»

مارلیک

این باستان‌شناس در ادامه، درباره اهمیت یافته‌های باستان‌شناسی «مارلیک» یا «چراغ‌علی» تپه‌یکلان که یادگارهایی از قومی کهن به نام «مارد» هاست، نیز توضیح داد: «بعضی از آن‌ها همچون جام مارلیک به‌صورت نمادی بر روی اسکناس ها چاپ می‌شد. تصویر بسیاری از اسطوره‌های ایرانی بر روی این ظروف که قدمتشان به ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد، موجود است که می‌تواند اولین یافته‌ها در تعریف اهمیت و قداست حیوانات برای انسان باشد.»

چغانزئیل

ناگفته‌نماند که در معرفی اولین‌های باستان‌شناسی، نمی‌شود از اولین بنای ثبت جهانی ایران یاد نکرد. لباف در این باره گفت: «تمدن ایلامی از ۲ هزار سال پیش از میلاد در غرب ایران ظاهر شد و چغانزئیل که اولین بنای ثبت جهانی ایران است، یادگار همین حضور است. معبد صدردصدمتری چغانزئیل، بزرگ‌ترین و کهن‌ترین معبد ایران نیز به‌شمار می‌رود.»

کتیبه بیستون

اما کتیبه‌ای که تصور ما را از تاریخمان تغییر داد، همان کتیبه معروف «بیستون» است که به‌سه‌زبان بابلی، ایلامی و فارسی باستان نوشته شده است. لباف درباره این کتیبه توضیح داد: «در میانه قرن ۱ میلادی برای اولین بار این کتیبه خوانده شد و پس از آن، تاریخ باستان ما از افسانه به سمت واقعیت و براساس یافته‌های باستان‌شناسی تدوین شد. همین کتیبه ۲ هزار سال به تمدن ایرانی افزود، چون در آن از ایلامی‌ها و مادها و همچنین مرزهای ایران سخن گفته شده بود.»

تخت جمشید

نماد و شناسنامه تمدن ایران نیز بی‌تردید تخت جمشید است. لباف با این نکته، شرح کوتاهی هم از ساخت تخت جمشید داد که حدود ۱۰۰ سال به طول انجامیده و با تراشیدن یک کوه محقق شده است: «هنوز همه زوایا و یافته‌های داخل آن بر ماروشن نشده است. تنها در یک نمونه، ۳۰ هزار لوحه شامل فاکتور، یادداشت روزانه و... از آن یافت شده است که می‌تواند اطلاعات فراوانی در اختیار ما قرار دهد اما فقط ۱۶۰۰ لوحه به ایران داده شده است.»

سایت بندیان و شادیاخ

حال پرسش این است که خراسان در این بازتعریف باستان‌شناسی از تاریخ چه جایگاهی دارد. مدیرکل اسبق میراث فرهنگی خراسان رضوی در پایان این نشست به دو سایت باستان‌شناسی مهم خراسان نیز اشاره کرد.

سایت بندیان درگز که یادگاری از دوره بهرام پنجم ساسانی و در مرز ایران با هپتالیان است و سایت شادیاخ نیشابور که از نخستین آثار حرکت ایران به سمت استقلال از خلفای عباسی است. آخرین یافته باستان‌شناسی بود که لباف به آن اشاره کرد. او از نقش‌های برجسته و همچنین کارگاه‌های ساخت شیشه تخت در این سایت، یاد و ابزار امیدواری کرد شرایطی فراهم شود که مردم هرچه بیشتر در این یافته‌ها آشنا شوند و به ارزش آن‌ها پی ببرند.



اشنبه
۶ خرداد ۱۴۰۳
۱۷ دی‌ماه ۱۴۴۵
شماره ۱۴۴۵

۱۵



تاریخ و هویت